

ایران و طرح خاورمیانه بزرگ

کاوه افراسیابی^۱

ترجمه: احمد هاشمی

این مقاله به طرح آمریکایی که به عنوان «طرح خاورمیانه بزرگ» شناخته می‌شود و به ابعاد مختلف اقتصادی، تجاری و امنیتی می‌پردازد را مورد بررسی عمیق قرار می‌دهد. اکنون این طرح شامل کشورهای گروه هشت می‌شود و چالش سیاست خارجی جدیدی را برای ایران ارائه می‌کند که لازم است با حداکثر فاصله با آن درگیر شود. این مقاله همچنین پاسخ راهبردی مناسبی از طرف جمهوری اسلامی ایران به طرح خاورمیانه بزرگ را مطرح می‌کند. انتخاب‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی ایران به‌طور قابل توجهی در نتیجه تغییرات و دگرگونی‌ها در ژئوپلیتیک متزلزل خاورمیانه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بغرنج و پیچیده شده است.^(۱) خاورمیانه، که به مدت طولانی صحنه قدرت‌های بزرگ همچنین رقابت دولت‌های محلی بوده، در معرض نقشه جدید عمده‌تاً «خاورمیانه بزرگ» به معنی شناخت علائم سیاسی جدید با معانی گوناگون قرار گرفته است.

«طرح خاورمیانه بزرگ» در آمریکا طراحی و به دنبال آن در ماه ژوئن ۲۰۰۴ با عنوان «مشارکت برای پیشرفت» توسط هشت کشور صنعتی جهان در سی‌آیلند ایالت جورجیا مورد پذیرش واقع شد که هدف آن بررسی ریشه‌های عقب‌ماندگی اجتماعی - سیاسی و اقتصادی در منطقه است و این منطقه دربردارنده جهان عرب، ایران، ترکیه، اسرائیل و احتمالاً پاکستان و

و افغانستان می‌باشد.^(۲) این طرح که به روی موضوعاتی مانند اصلاحات اقتصادی، حاکمیت خوب و کارآمد، حقوق زنان و اقلیت‌ها، مؤسسات مربوط به جامعه مدنی و دموکراسی تمرکز دارد دربردارنده تمامی عناصر اساسی پارادایم^(۳) موسوم به مدرن‌گرایی می‌باشد که در آن ابعاد سیاسی و اقتصادی روند مدرن‌گرایی در یک رویکرد فراگیر و جهان‌شمول، به یکدیگر متصل شده است. رویکردی که کاملاً وفادار به خواسته این پارادایم برای جهانی‌سازی اصول و مبانی عمده خود در مورد دموکراسی جهانی، حاکمیت قانون و مدنیت و آزادسازی اقتصادی می‌باشد. این اهداف متعالی در گزارش اخیر مربوط به توسعه انسانی عربی سازمان ملل (AHDR) که به شدت منتقد اوضاع (وضعیت) اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و اجتماعی در جهان عرب است انعکاس پیدا کرد.^(۴) مدارک این گزارش ۱۷۰ صفحه‌ای فهرست بلند بالایی از مشکلاتی را که از «کمی دانش» و «کمبود آزادی» تا «تبعیض» جنسی و «قلت رفاه انسانی» و غیره و همچنین طیف وسیعی از دستورالعمل‌ها برای تغییرات مانند «انتخابات منظم»، «گسترش فرصت‌های اقتصادی»، «بهبود آموزش» و «استفاده موثر و بهینه از منابع» از قبیل اینترنت، برای تشویق رشد اقتصادی به منظور مبارزه با بیکاری، فقر و «ایجاد جامعه اطلاعاتی» تهیه کرده است. با علم به نیاز به توسعه سیاسی به عنوان توسعه اقتصادی گزارش UNDP رویکردی کل‌گرایانه در پیش گرفته است. گزارش خاطر نشان می‌کند که «فرد باید محور فرآیند آموزش باشد» و راهبردهای توسعه‌ای اقتدارگرایانه و یا دولت - محور نیاز مبرمی به تغییر شکل خود به راهبردهای نئولیبرال یعنی بازار - محور دارند.

آنچه که این گزارش را آزاردهنده و ناخوشایند می‌سازد، آرایه‌ای از ارزیابی‌های منفی آن به شرح زیر است:

- مجموع تولید ناخالص ملی (GDP) ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب کمتر از اسپانیا است.

- تقریباً ۴۰ درصد عرب‌های بزرگسال، - ۶۵ میلیون نفر- بی‌سواد هستند. که دو سوم آنان را زنان تشکیل می‌دهند.

- تا سال ۲۰۱۰ بیش از ۵۰ میلیون و تا سال ۲۰۲۰ حدود ۱۰۰ میلیون نفر جوان به بازار کار وارد خواهند شد - سالانه نیاز به ایجاد حداقل ۶ میلیون شغل جدید برای جذب این تازه واردان می باشد.

- اگر نرخ بیکاری کنونی تداوم داشته باشد بیکاری منطقه ای تا سال ۲۰۱۰ به ۲۵ میلیون نفر خواهد رسید.

- یک سوم مردم منطقه با درآمد کمتر از دو دلار در روز امرار معاش می کنند. برای بهبود استانداردهای زندگی، رشد اقتصادی در منطقه که در حال حاضر زیر ۳ درصد می باشد باید بیش از دو برابر یعنی حداقل ۶ درصد بشود.

- تنها ۱/۶ درصد از جمعیت منطقه به اینترنت دسترسی دارند، رقمی که پایین تر از هر منطقه ای از جهان از جمله آفریقای زیر صحرای می باشد.

- در مقایسه با مثلاً رقم ۸/۴ درصد در آفریقای زیر صحرای زنان تنها ۳/۵ درصد از کرسی های پارلمان را در کشورهای عربی اشغال کرده اند.

- بنا به گزارش سال ۲۰۰۲ پنجاه و یک درصد جوانان عرب تمایل خود را برای مهاجرت به دیگر کشورها ابراز کرده اند، که کشورهای اروپایی مقصد مورد علاقه شان می باشد.

از زمان انتشار گزارش توسعه انسانی عربی (AHDR) در سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ توسط نویسندگان عرب، این گزارش، به ویژه در بین روشنفکران عرب و مسلمان مورد موشکافی دقیق و منتقدانه قرار گرفته است و به خاطر متدولوژی پژوهشی محدود و تنگ نظریه اش در اولویت دادن به ریشه های داخلی عدم توسعه (توسعه نیافتگی) و به دلیل آمارهای گزینشی اش در پررنگ کردن نمودارهای منفی به منظور به تصویر کشیدن نمایی تاریک از توسعه در منطقه عربی مورد انتقاد و سرزنش واقع شده است.^(۵)

از سوی دیگر، این گزارش سازمان ملل بدون ذکر دیگر گزارش های مشابه مانند گزارش های بانک جهانی^(۶) به سیاست گذاری آمریکا پس از یازده سپتامبر در قبال خاورمیانه

بسیار به هنگام کمک کرده است و همواره در استدلال‌های رسمی برای طرح خاورمیانه بزرگ که برای اولین بار توسط دیک چنی معاون رئیس جمهور آمریکا و در نشست اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۴ در داووس سوئیس اشاره شد، بدان استناد شده است. چنی به عنوان معمار اصلی دکترین «جنگ پیشگیرانه» ایالات متحده اعلام کرد: «استراتژی پیشرونده ما برای آزادی، ما را به حمایت از آنهایی که برای انجام اصلاحات در سراسر خاورمیانه بزرگ فداکاری می‌کنند متعهد می‌سازد».^(۷) با توجه به اصرار ستون نویس نیویورک تایمز قبل از حمله آمریکا به عراق مبنی بر این که آمریکا باید «مشخص سازد که نه فقط برای خلع سلاح کردن به عراق می‌رود بلکه به عراق می‌رود تا مردم این کشور را برای اجرای گزارش توسعه انسانی عربی قدرتمند سازد»^(۸)، این گزارش حتی برای اطمینان بخشی به حمایت از حمله ۲۰۰۳ آمریکا به عراق مورد استفاده واقع شد.

این گزارش به فاصله اندکی پس از توصیه‌های سیاسی ارائه شده توسط تعدادی از کارشناسان خاورمیانه مانند برنارد لوئیس آماده شد. او به طور صریح «تروریسم اسلامی» را به شکست در اصلاحات سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه مرتبط کرد. استدلالات مؤثر و قوی لوئیس در مورد ضرورت اعمال تغییراتی «از بیرون» و به حکم «قدرت - سخت» آمریکا در صورت نیاز توسط جرج دبلیو بوش و دستگاه او که همواره به نیاز به «دموکراتیزه کردن خاورمیانه» به عنوان بخشی از سیاست «مبارزه جهانی با تروریسم» تأکید داشت، کاملاً مورد پذیرش قرار گرفت.^(۹)

بررسی دقیق و منتقدانه طرح خاورمیانه بزرگ نیازمند در هم آمیختن ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی این طرح از دیدگاه علمی و تاریخی و از منظر اقتصاد سیاسی، دیپلماسی جهانی، سیاست ابرقدرت‌ها و سیاست منطقه‌ای می‌باشد.

یکی از چالش‌های عمده استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در محیط جدید بین‌المللی و منطقه‌ای تعامل و روبرو شدن با چالش‌های استراتژیک عمده نظم پس از یازده سپتامبر می‌باشد و ارائه پاسخی پویا و مناسب به طرح خاورمیانه بزرگ در صدر فهرست این چالش‌ها قرار دارد.

به جای آزمون سریع و قضاوت عجولانه در مورد این طرح که اکنون روی اروپا به عنوان یکی از شرکت کنندگان آن حساب می شود، آنچه که مورد نیاز است، تجزیه و تحلیلی دقیق و مفصل به عنوان پیش درآمدی بر ارزیابی آن در سطح سیاسی است. واکنش ایران به طرح خاورمیانه بزرگ به طور مشخص خود را در یک خلاصه بندی و متن کوتاه نشان نمی دهد بلکه بیشتر در هنجارها، ارزش ها و اولویت های موجود ایران از قبیل بازی های استراتژیک آمریکا - ایران در خاورمیانه، آسیای مرکزی - قفقاز و هرجای دیگر در جهان عیان می شود.^(۱۰) نقش و تأثیر جهانی شدن به همان اندازه نیاز به نگاه مقطعی به طرح خاورمیانه بزرگ در شبکه جاری و التهابات پی در پی جهانی شدن واقعیت های منطقه ای در خاورمیانه اهمیت دارد. البته این سؤال مقتضی این است که آیا این طرح از منشور جهانی شدن بهتر قابل فهم خواهد بود یا صرفاً به عنوان بخشی از سیاست خارجی آمریکا است؟

هدف مقاله حاضر فراهم کردن پاسخی سیستماتیک به این سؤال و دیگر سؤالات مربوطه در ارتباط با نیازها و اولویت های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سیاست جهانی پیچیده و تا حدودی غیرقابل پیش بینی امروز می باشد که ایران را با «انتخاب های استراتژیک» جایگزین آماده می کند.

بدون شک، اهمیت ژئوپلتیک ایران در دوره های تاریخی پس از جنگ سرد و پس از یازده سپتامبر بیشتر شده است، همچنان که دغدغه ها و نگرانی های امنیتی ایران هم در اثر پراکندگی گسترده نیروهای غربی در منطقه، جنگ ها و بی ثباتی در کشورهای همسایه و در رأس آنها افغانستان و عراق و بلا تکلیفی و سردرگمی که آینده روابط ایران - آمریکا را احاطه کرده است، تشدید شده است. به طور مشخص، واکنش و پاسخ ایران به طرح خاورمیانه بزرگ نمی تواند از روابط ایران - آمریکا به طور کامل جدا باشد و در عوض، پیش از هر چیز نیازمند قاعده مند کردن آن برای حمایت و تقویت سیاست ایران در قبال آمریکا است، به ویژه این که برخی پیامدهای خواسته یا ناخواسته در نتیجه هر پاسخ رسمی حال مثبت یا منفی به این طرح آمریکایی وجود دارد. طرحی که هویت آن به علت مشارکت ژاپنی ها و اروپایی ها مورد

غفلت واقع شده است. در نتیجه، واکنش ایران به طرح خاورمیانه بزرگ به انعکاس‌ها و واکنش‌های سیاست اروپایی ایران مربوط شده است، سیاستی که به طور بالقوه پس از توافقنامه پاریس در نوامبر ۲۰۰۴ که دو طرف را به همکاری و مذاکرات گسترده بین ایران و اروپا فرامی‌خواند، وارد مرحله جدیدی شده است.

به‌طور مشابهی و در پرتو اراده تقریباً تمامی کشورهای عرب و همچنین ترکیه برای شرکت جستن در طرح خاورمیانه بزرگ، ایران احتمالاً نمی‌تواند نسبت به تحول و ظرایف همکاری عرب‌ها - آمریکا مانند توافقنامه آزاد تجاری بین آمریکا و مراکش و همچنین بحرین، توافقنامه اخیر سه جانبه بین آمریکا، اسرائیل و مصر^(۱۱) و یا توافقنامه‌های امنیتی دوجانبه بین آمریکا و همسایگان عرب ایران و یا طرح ناتو در «گسترش به سوی شرق» بی‌تفاوت باقی بماند. از این پس، یک اولویت سیاست خارجی ایران تمرکز کردن و تعیین عناصر سیاست آینده محور است زیرا ایران که از تغییرات و ابتکارات مهم تأثیرگذار به منطقه آگاه است به جای واکنشی و منفعل بودن صرف به دنبال تحقق منافع (امنیت) ملی خود از طریق اتخاذ یک مجموعه اقدامات سازنده و مثبت خواهد بود. این سیاست در واقع یک آزمون مهم برای سیاست خارجی ایران در محیط جاری آمریکایی‌شدن هر چه بیشتر سیاست خاورمیانه می‌باشد و مطالعه مقاله حاضر به‌عنوان گامی کوچک در تکیه بر زمینه کاری شناخت «نقشه راه» که نوعاً یک پیش فرض برای سیاست‌گذاری خارجی موفق است، می‌باشد.

۱. طرح خاورمیانه بزرگ (GMEI): یک نگاه کلی

طرح خاورمیانه بزرگ در اواخر سال ۲۰۰۳ و به دنبال اتهامات ایراد شده توسط جرج دبلیو بوش مبنی بر این که «۶۰ سال عذر آوردن کشورهای غربی و تحمل کمبود آزادی در خاورمیانه» نتوانست جلوی تهدیدات امنیتی را که از منطقه نشأت می‌گرفت سد کند و آمریکا مجبور است که یک «استراتژی جدید پیشرونده آزادی در خاورمیانه» اتخاذ کند.^(۱۲)

در ابتدا طرح اولیه‌ای به دولت‌های G-۸ فرستاده شد با این چشم‌داشت که بتواند پایه

یک ابتکار مشترک را شکل دهد که در نشست سران درسی آیلند و در ژوئن ۲۰۰۴ علنی شد. سند کاری طرح خاورمیانه بزرگ براین پیش فرض گذاشته شد که روند رو به گسترش «محروم سازی اقتصادی و سیاسی افراد» در منطقه، منافع ملی اعضای G-۸ را از طریق بالا رفتن جهانی «تورریسم، جرایم بین‌المللی و مهاجرت غیرقانونی» و آمارهای مربوط به سال ۲۰۰۲ AHDR که در بالا ذکر شد و برای تأکید به جدی بودن این مشکل ارائه شد، تهدید می‌کند.

پیش‌نویس اولیه طرح خاورمیانه بزرگ اعضای G-۸ را قویاً ملزم و ترغیب به «آغاز به ابتکار یک پاسخ هماهنگ برای تقویت اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در منطقه» و «ایجاد یک همکاری طولانی مدت با رهبران اصلاح طلب خاورمیانه بزرگ» نمود.

چهار جنبه بارز این سند کاری به شرح زیر بودند:

نخست، طرح خاورمیانه بزرگ پیشنهاد می‌کند که دولت‌های G-۸ برای قدرتمندسازی شهروندان عرب به‌طور مستقیم وارد عمل شوند و با افزایش «سرمایه‌گذاری مستقیم برای دموکراسی، حقوق بشر، رسانه‌ها، NGOها و زنان و غیره در منطقه» این کار را انجام دهند. به‌رغم این که دولت‌های غربی اغلب ادعا می‌کنند که چنین کمک‌هایی را فراهم می‌کنند، سطح کنونی «کمک‌های مربوط به جامعه مدنی» که آنها در اختیار قرار می‌دهند بسیار پایین است و قسمت عمده آن خرج مراکزی می‌شود که در بهترین حالت می‌توان آنها را NGOهای نیمه دولتی نامید. سازمان‌هایی که به‌طور ویژه‌ای توسط دولت‌ها ایجاد شده‌اند تا کمک‌های خارجی را جذب نمایند و آن را در مسیری هدایت کنند که شهروندان را قدرتمند نکنند. (۱۳)

دوم، طرح خاورمیانه بزرگ برداشته شدن محدودیت‌های دولتی در آزادی‌های عمومی را به عنوان یک هدف صریح و آشکار دیپلماسی G-۸ به حساب می‌آورد. کشورهای عضو G-۸ باید «دولت‌های منطقه را برای اجازه دادن به مؤسسات جامعه مدنی شامل حقوق بشر و رسانه‌ها، NGOها برای فعالیت آزاد بدون آزار و اذیت و محدودیت تشویق کنند». این سند

کاری ابراز می‌دارد که ۸-G باید موارد زیر را با عنایت به «جامعه مدنی» در خاورمیانه انجام دهند:

- تشویق دولت‌های منطقه برای اجازه‌دادن به سازمان‌های جامعه مدنی از قبیل NGOهای مربوط به حقوق بشر و رسانه‌ها برای فعالیت آزاد بدون محدودیت و آزار و اذیت.
- افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم بر روی NGOهای مربوط به دموکراسی، حقوق بشر، رسانه‌ها، زنان و دیگر NGOها در منطقه.

- افزایش ظرفیت فنی NGOها در منطقه با افزایش سرمایه‌گذاری در مؤسسات داخلی (مانند بنیاد وست مینیستر در بریتانیا و یا وقف ملی برای دموکراسی در امریکا) برای فراهم‌کردن آموزش برای NGOها در مورد چگونگی تعریف سکو، دولت لابی و گسترش استراتژی‌های رسانه‌ای و افکار عمومی برای بالا بردن حمایت، این برنامه‌ها همچنین می‌تواند شامل مبادلات و ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای باشد.

- حمایت مالی از NGOیی که کارشناسان رسانه‌ای و حقوقی را از منطقه گردهم آورد تا برآورد سالیانه‌ای از تلاش‌ها برای اصلاح قضایی و یا آزادی مطبوعات در منطقه را طرح‌ریزی کند. (این مورد می‌تواند الگوی AHDR را دنبال کند).

سوم اینکه، طرح خاورمیانه بزرگ سازوکاری برای روند نظارت پیشنهاد می‌کند. به‌ویژه، این طرح پیشنهاد می‌کند که ۸-G بر روی NGOیی سرمایه‌گذاری کنند که کارشناسان حقوقی و مطبوعاتی را از منطقه گردهم آورد تا طرح اولیه برآوردهای سالانه برای تلاش‌های اصلاحات قضایی یا آزادی مطبوعات در منطقه را به دست دهد.

چهارم اینکه، گفته می‌شود طرح خاورمیانه بزرگ توسط پیمان هلسینکی ۱۹۷۵ که توسط ایالات متحده، شوروی سابق و اغلب کشورهای اروپایی امضا شد تجدید حیات یافته است. الگوی هلسینکی به منظور ایجاد سازوکاری برای حل و فصل اختلافات و حمایت از حقوق انسانی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به‌ویژه که این الگو به گروه‌های مخالف وابسته است.

اغلب توصیه‌های طرح خاورمیانه بزرگ مانند سرمایه‌گذاری برای برنامه‌های باسوادسازی، آموزش نمایندگی‌های قانونی و کمک فنی در اتخاذ سرمایه‌گذاری بیشتر و سیاست‌های تجاری جدایی عمده‌ای از برنامه‌های اصلاحی اروپایی و آمریکایی‌از پیش موجود ایجاد نمی‌کند. طرح خاورمیانه بزرگ تاکنون به دور از یک برنامه کاملاً عملی بدون ابهام و یا تعداد زیادی از ایده‌های بدیع است. تاکنون ایالات متحده هیچ کمک عمده مالی به طرح خاورمیانه بزرگ ننموده است و حال آنکه حیطه تعهد مالی آمریکا به خودی خود معیار مهمی برای اندازه‌گیری درجه اهمیت آن به‌ویژه با عنایت به سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا تحت حاکمیت دولت دوم بوش می‌باشد. سند کاری طرح خاورمیانه بزرگ به‌عنوان مثال توصیه نمی‌کند به دولت‌هایی که در اصلاحات سیاسی پیشرفتی از خود نشان می‌دهند با کمک اقتصادی بیشتر پاداش داده شود، اگرچه برخی مقامات آمریکایی با نتیجه‌گیری در مورد دولت‌های «یاغی» مخالفت دارند در حالی که این طرح می‌گوید دولت‌ها باید برای برداشتن محدودیت‌ها از NGOها مورد «تشویق» واقع شوند ولی نمی‌گوید آن کشورها باید برای برگزاری انتخابات آزاد یا آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی تشویق شوند.^(۱۴)

۲. از طرح خاورمیانه بزرگ به «مشارکت برای پیشرفت و آینده مشترک با منطقه خاورمیانه وسیع‌تر و شمال آفریقا»

در نشست سران کشورهای G-۸ در ماه ژوئن ۲۰۰۴، طرح خاورمیانه بزرگ تغییرات معنایی و شکلی را تجربه کرد. این ابتکار توسط G-۸ امضا شد و توسط رسانه‌های آمریکا به‌عنوان «مرحله مهمی از دیپلماسی آمریکا» تلقی شد^(۱۵) و به‌عنوان «مشارکت برای صلح و آینده‌ای مشترک با منطقه خاورمیانه وسیع‌تر و شمال آفریقا» نامگذاری شد. دلیل این که این تغییر ضروری پنداشته می‌شد بخشی به علت جلوگیری از هرگونه ارتباط مستقیم با «خاورمیانه جدید» که توسط شیمون پرز از اسرائیل در کتابش تحت همین عنوان که در سال ۱۹۹۶ منتشر شده بود، می‌باشد. همچنین این تغییر نام به‌دلیل برطرف کردن شبهاتی مبنی بر

این که این طرح صرفاً پروژه‌ای آمریکایی بود تا به طور یک‌جانبه‌ای بر خاورمیانه اعمال شود. بنا به اظهارات رسمی G-۸ طرح مشارکت برای پیشرفت بر سه موضوع تمرکز خواهد کرد: سیاسی، اجتماعی / فرهنگی و اقتصادی. در عرصه سیاسی، اصلاحات دولتی، حکومت کارآمد، حاکمیت قانون، پیشرفت به سوی دموکراسی، تبادل آزاد آرا و اندیشه‌ها و حل مسالمت‌آمیز اختلافات به عنوان «اجزای ضروری ایجاد دموکراسی» به حساب می‌آیند. در عرصه اجتماعی و فرهنگی «آموزش برای همه، آزادی بیان، تساوی زنان و مردان، همچنین دسترسی به فناوری اطلاعات جهانی» ذکر شدند. در عرصه اقتصادی، بیانیه G-۸ اشعار می‌دارد که «ایجاد شغل، اولویت درجه یک بسیاری از کشورهای منطقه است. برای گسترش فرصت شغلی و تقویت شرايطی که بخش خصوصی بتواند شغل ایجاد کند ما با دولت‌ها و رهبران تجاری برای گسترش سرمایه‌گذاری، بالا بردن تجارت و سرمایه‌گذاری، افزایش دسترسی به سرمایه، حمایت از اصلاحات مالی، تأمین حقوق مالکیت، تقویت شفافیت و مبارزه با فساد همکاری خواهیم کرد. گسترش تجارت بین منطقه‌ای اولویتی برای توسعه اقتصادی خاورمیانه وسیع‌تر و شمال آفریقا خواهد بود. اقدامات دیگر شامل ابتکار خرد مالی برای کمک به سرمایه‌گذاران کوچک و حمایت برنامه‌های آموزشی برای تجارت می‌باشد.

این برنامه مشارکت که در نشست G-۸ مورد پذیرش واقع شد در کلیات خیلی گسترده و در جزئیات خیلی محدود است. این که این برنامه چگونه مورد حمایت مالی واقع خواهد شد نامشخص است. بنا به این نوشته به استثنای اختصاص سرمایه برای NGOهای منطقه، نه ایالات متحده و نه اروپا و ژاپن به طور صریح و مشخص بودجه‌ای برای پشتیبانی کل برنامه اختصاص نداده‌اند. نکته اینجاست که سند کاری طرح خاورمیانه بزرگ دو ماده زیر را ایجاد کرده است:

شرکت مالی خاورمیانه بزرگ: کشورهای G-۸ باید برای تأمین مالی مشترک شرکتی مانند الگوی شرکت مالی بین‌المللی (IFC) توافق کنند تا با هدف پیشرونده همگرایی تجاری منطقه‌ای به مشاغل متوسط و بزرگتر کمک کنند. این شرکت می‌تواند توسط گروهی از رهبران

بخش خصوصی G-۸ که متعهد به ارائه تجربه‌شان در توسعه تجارت به منطقه خاورمیانه بزرگ هستند اداره شود.

بانک توسعه خاورمیانه بزرگ (GMED Bank): کشورهای G-۸ در کنار سرمایه‌گذاران منطقه خاورمیانه بزرگ می‌توانند مؤسسه توسعه‌ای منطقه‌ای جدیدی با الگوبرداری از بانک اروپایی بازسازی و توسعه (EBRD) ایجاد کنند تا به کشورهای در حال اصلاح کمک کند تا بر روی اولویت‌های توسعه‌ای اساسی خود سرمایه‌گذاری کنند. این مؤسسه جدید منابع کشورهای ثروتمندتر خاورمیانه بزرگ و G-۸ را گرد هم آورده تا بر روی بهبود دسترسی به آموزش، بهداشت و زیرساخت‌های اساسی تمرکز کند. بانک (GMED) همچنین به عنوان ذخیره‌ای برای کمک فنی و دانش توسعه‌ای برای خاورمیانه بزرگ خدمت خواهد کرد.

در تصمیمات مبنی بر قرض دادن (یا بخشش) باید توسط توانایی هر کشور وام‌گیرنده برای نشان دادن نتایج اصلاحات قابل اندازه‌گیری حاکم باشد.^(۱۶)

حتی در صورتی که هر یک از این دو طرح بیان شده همان‌گونه که پیش‌بینی شده‌اند تحقق یابند، تقریباً واضح است که مشارکت و همکاری بین آمریکا و اروپا در خاورمیانه بدون شک در زمان خطر مخالفت اروپایی‌ها با یکجانبه‌گرایی آمریکا در خاورمیانه که اتحاد دوران جنگ سرد بین دو طرف را از بین برده و در زمانی که یک چنین همکاری توسط اروپایی‌ها و دیگران به عنوان گام‌هایی اصلاحی توسط ایالات متحده به منظور حرکت به سوی چندجانبه‌گرایی جهانی تفسیر می‌شود هم به موقع و هم پراهمیت است.^(۱۷) با این حال این برنامه همکاری در حقیقت ممکن است کمتر از «طرح مارشال» بزرگ و با عظمت باشد و در اقدام به علت نبود کمک‌های کافی و باوجود هزینه سنگین مالی آمریکا در جنگ و با ثبات‌سازی عراق و نیاز آن به سهم شدن بیشتر در هزینه «توسط نیروهای متحدین کمتر موفق باشد»^(۱۸) به عنوان مثال تسهیلات (IFC) یک تأمین بودجه ابتکاری صرفاً ۱۰۰ میلیون دلاری دارد و همچنین «کشورهای مختلف و بانک توسعه اسلامی تعهد مجموعاً ۶۰ میلیون

دلار کمک را داده‌اند».^(۱۹) از این رو، با گذشت زمان ممکن است از یک سو بین اعلانات طرح خاورمیانه بزرگ جدایی بنیادین در «تغییرات اساسی در راهی که ما در خاورمیانه در پیش گرفته‌ایم» روی دهند همان‌طور که یک مقام ارشد وزارت خارجه آمریکا نقل قول می‌کند.^(۲۰) از سوی دیگر مبلغ جمع‌آوری شده برای اجرای این رویکرد در کلیت خود تعهد شده است. بنابراین با توجه به اولویت داده‌شده برای بازسازی عراق، برنامه مشارکت ممکن است بیشتر برای جبران کمبود مشروعیت آمریکا و در حد کمتری بریتانیا در جنگ عراق به عنوان سازوکار قدرت نرم برای جبران پیامدهای تضعیف تخطی عمومی از «جنایت» متصور شده آمریکایی در عراق باشد. همچنین به تصور همدستی آمریکا با جناح راست دولت آریل شارون در اسرائیل اشاره‌ای نمی‌شود.

۳. طرح خاورمیانه بزرگ و مناقشات اعراب - اسرائیل

هم طرح خاورمیانه بزرگ و هم طرح متعاقب آن «مشارکت برای پیشرفت» صریحاً به نیاز به حل تعارضات بین اسرائیل و مردم فلسطین اشاره دارد. دیک چنی در سخنرانی ابتکاری خود در داووس در مورد خاورمیانه بزرگتر اعلام کرد: «ما از دولت مستقل و پایدار فلسطین حمایت می‌کنیم» و از اسرائیل خواست تا «با جلوگیری از انجام اقداماتی که امکان عملی راه حل ایجاد دو کشور در درازمدت را به خطر می‌اندازد تلاش خود برای کم کردن آلام مردم فلسطین را چندبرابر کند».^(۲۱) بیانیه ۸-۴ در این زمینه شایان ذکر است:

«هدف ما برای اصلاحات در منطقه با کمک ما به راه حل عادلانه، جامع و پایدار برای مناقشه اعراب - اسرائیل و مبتنی بر قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل ادامه خواهد یافت، ما به‌طور کامل بیانیه چهارگانه در ماه مه ۲۰۰۴ را تأیید می‌کنیم و با آن در مورد «دید کلی دو کشور، اسرائیل و فلسطین دموکراتیک، دارای حق حاکمیت و مجاور که در کنار هم با صلح و امنیت به همزیستی خود ادامه دهند» با این بیانیه هم‌آوا می‌شویم. ما از اقدامات نیروی اقدام بین‌المللی در اصلاحات فلسطین و کمیته ویژه ارتباط حمایت می‌کنیم و تمامی

کشورها را برای بررسی کمکی که می‌توانند به این امر کنند ترغیب می‌کنیم. ما از ایجاد صندوق امانت بانک جهانی استقبال نموده و اهداکنندگان را ترغیب به کمک به این ابتکار مهم می‌کنیم. ما به فراخوان بیانیه چهارگانه برای «دو طرف در برداشتن گام در راستای طرح نقشه راه» همان‌طور که قطعنامه ۱۵۱۵ شورای امنیت سازمان ملل و بیانیه‌های چهارگانه و انجام تعهداتی که آنها در نشست سران در دریای سرخ در عقبه و شرم‌الشیخ پذیرفتند، ملحق می‌شویم که می‌گوید: ما به راه حلی پایدار، جامع و عادلانه برای بحران اعراب - اسرائیل که دربردارنده احترام به دیدگاه‌های سوریه و لبنان باشد و با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل از جمله قطعنامه ۵۲۵ که «خواهان احترام اکید به تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال سیاسی لبنان در مرزهای به رسمیت شناخته شده بین‌المللی آن کشور می‌باشد»^(۲۲) همخوانی داشته باشد تأکید داریم».

با این وجود در واقع دولت بوش به علت حمایت همیشگی از دولت دست راستی اسرائیل که توسط آریل شارون از حزب لیکود رهبری می‌شود مورد انتقاد شدید در داخل و خارج قرار گرفته است. دولتی که به‌طور یکجانبه و با استفاده از زور مفاد توافقنامه اسلو را نقض کرده است. طبق نظر برخی کارشناسان عرب مزیت طرح خاورمیانه بزرگ برای مردم فلسطین ممکن است در این حقیقت نهفته باشد که این طرح به‌طور شفاهی و اخلاقی دولت آمریکا را به یافتن راه‌حلی عادلانه در مناقشه فلسطینیان - اسرائیل ملزم می‌کند و یا حداقل به‌عنوان مانعی در هرگونه حمایت بی‌چون و چرا و نامحدود از دولت و سیاست‌های دولت کنونی اسرائیل (در قلع و قمع حقوق فلسطینیان) عمل می‌کند.^(۲۳) اگرچه در کنفرانس رباط در مورد طرح خاورمیانه بزرگ در دسامبر ۲۰۰۴ وزیر خارجه آمریکا با اصرار بر این که «اصلاحات... به روند صلح ارتباطی ندارد»^(۲۴) می‌خواست هرگونه ارتباطی را بین طرح خاورمیانه بزرگ و مسأله اسرائیل - فلسطینیان از بین ببرد. یک دلیل این که طرح مشارکت برای پیشرفت - که شکل تغییر یافته طرح خاورمیانه بزرگ است، - نسبت به پیش از نشست ۸-۶ پاسخ مثبت‌تری از سوی جهان اسلام و جهان عرب دریافت کرد تصور آنها از نقش و

موقعیت اروپا در موضوع اعراب - اسرائیل است که متعادل تر از رویکرد آمریکا تلقی می شود. در واقع، این تصویر تاحدودی با بیانات پس از نشست مقامات مختلف اتحادیه اروپا در مورد ارتباط «روند بارسلونا» با برنامه مشارکت برای پیشرفت تقویت شد. (۲۵)

پیشینه «روند بارسلونا» به کنفرانس اروپا - مدیترانه، وزیران خارجه کشورهای اتحادیه اروپا و کشورهای جنوب مدیترانه (الجزایر - لیبی - مصر - اسرائیل - اردن - لبنان - مراکش - خودگردانی فلسطین - سوریه - تونس و ترکیه) در ماه نوامبر ۱۹۹۵ باز می گردد. این کنفرانس مبتنی بر ایجاد یک روابط جدید منطقه ای به وسیله برقراری گفتگو در موضوعات سیاسی و امنیتی و گفتگوهای اقتصادی با هدف ایجاد رفاه مشترک از طریق همکاری اقتصادی و مالی و ایجاد تدریجی منطقه آزاد تجاری بدون نام بردن از تقویت تبادلات فرهنگی است. گفتگوی اروپا - مدیترانه شامل دو بُعد مکمل گفتگوی دوجانبه و منطقه ای می باشد که هر دو به مشارکت فزاینده اروپا در بازسازی اقتصادی و سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا کمک می کنند که این امر با حمایت از ایده منطقه آزاد عربی و در بحران های مختلف خاورمیانه انجام می گیرد.

بنابراین، طرح خاورمیانه بزرگ در مفهوم خاص «گفتگوی موجود اروپا - مدیترانه ای اتحادیه اروپا را می سازد» برای تفسیر سخنان کمیسر اتحادیه اروپا، پاتن اگرچه هنوز دقیقاً مشخص نیست که آیا آمریکا هر نوع شک و شبهه ای را با عنایت به ادغام کامل طرح خاورمیانه بزرگ و روند بارسلونا از بین برده است یا نه. روندی که به نوبه خود امکان این که اتحادیه اروپا «مشعل را از آمریکایی ها بدزد» و بدین گونه رهبری طرح اصلاحات در خاورمیانه را در دست گیرد و یا حداقل به عنوان همتای برابر آن مطرح شود. این واقعیت که یکی از چالش های کلیدی سیاست خاورمیانه ای اروپا چگونگی برخورد با بی اشتیاقی آمریکا برای جبران مدیریت طرح مذکور می باشد، توجه برخی کارشناسان سیاست گذاری آمریکا را به خود جلب کرده است. (۲۶) به علاوه به زعم اسرائیل هر نوع «اروپایی شدن» بیشتر طرح خاورمیانه بزرگ منجر به «تأکید بیشتر» بر مسئله فلسطین بر علیه منافع اسرائیل بوده و ممکن

است منجر به کاهش اهمیت طرح خاورمیانه بزرگ و وزن و میزان توجه کاخ سفید به جزئیات آن بشود.

دو تحول اخیر یعنی، درگذشت رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO) یاسر عرفات و عقب‌نشینی برنامه‌ریزی شده اسرائیل از نوار غزه مسیر مذاکرات بین اسرائیل و فلسطینی‌ها را تغییر داده و در هر حال قدری از شکاف بینشی بین اروپا و آمریکا را در این موضوع به هم نزدیک کرده است و همکاری آنها بر طرح خاورمیانه بزرگ را تسهیل بخشیده است.

باتوجه به اختلاط منافع معارض بین آمریکا و اتحادیه اروپا بر روی تجارت و مسائل غیرتجاری مانند موضوعات امنیتی و گسترش سلاح‌های اتمی، هنوز تصمیم آمریکا برای تبدیل طرح خاورمیانه بزرگ خود به دستورالعمل‌های ۸-G با پیامدهای خواسته و ناخواسته که احتمالاً به همراه هم یا جدای از هم محدود شده است و آنچه که ممکن است بیشتر تولید تضاد در اولویت‌بخشی آمریکا کند باتوجه به منطق همکاری فرا آتلانتیکی خود با اروپا و دیگران در این طرح وجود دارد.^(۲۷) شاید این امر در هیچ حوزه‌ای به اندازه عرصه تجارت خارجی مشخص نباشد.

۴. طرح خاورمیانه بزرگ و سیاست تجارت آمریکا و اروپا در قبال خاورمیانه

آمریکا ممکن است طرح خاور میانه بزرگ خود را از طریق ۸-G چندجانبه کرده باشد ولی سیاست تجاری‌اش به‌طور عمده دوجانبه است که برگسترش تجارت و سرمایه‌گذاری دوجانبه با کشورهای مختلف خاورمیانه از طریق توافقنامه تجارت آزاد (FTA) باشد تمرکز دارد. بیشتر این فعالیت بر شمال آفریقا متمرکز شده است، همان‌گونه که آمریکا به دنبال ایجاد «بازار شمال آفریقا» از طریق FTA با کشورهای مراکش، تونس، الجزایر، مصر، اردن و سرانجام لیبی می‌باشد، در منطقه خلیج فارس نیز وارد مذاکرات با عمان و امارات متحده عربی شده است و FTA آن کشور با بحرین منتظر تأیید کنگره است.

تاکنون، اردن، مراکش و بحرین سه نمونه فوق را نمایندگی می‌کنند که آمریکا امیدوار است برای گسترش توافقنامه‌های تجارت آزاد فرومنطقه‌ای و با اعلام آنها در طول یک دهه به‌عنوان «منطقه تاریخی تجارت آزاد خاورمیانه»^(۲۸) از آنها استفاده کند. در یک مفهوم خاص طرح خاورمیانه بزرگ یک «تروا»ی اقتصادی است که از طریق آن آمریکا شبکه‌ای از دوجانبه‌گرایی مانند کمک‌گزینه‌ی «محاسبات چالش همواره» به کشورهایی مانند مراکش برای تقویت FTA خود با آمریکا را به اجرا می‌گذارد.^(۲۹) همچنین دولت آمریکا برای گسترش برنامه سیستم کلی ترجیحات برای افزایش ارتباط تجاری با خاورمیانه برنامه‌ریزی می‌کند. برنامه سیستم کلی ترجیحات ورود بدون تعرفه به بازار آمریکا را برای هزاران محصول از بیش از ۱۴۰ کشور دارای اقتصاد درحال توسعه از جمله کشورهای سازمان همکاری خلیج فارس فراهم می‌کند، در سال ۲۰۰۲ و تحت این سیستم آمریکایی‌ها محصولاتی به ارزش نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار را از این منطقه خریداری کردند.^(۳۰)

توافقنامه تجارت آزاد با بحرین توسط عربستان سعودی و دیگر اعضای شورای همکاری کشورهای خلیج فارس به‌عنوان نقض اتحادیه گمرکی این سازمان که در توافقات تعرفه دوجانبه بدون مفهوم شورای همکاری کشورهای خلیج فارس مانع ایجاد می‌کند، تقبیح شد.^(۳۱) این توافقنامه «دوجانبه‌گرایی امنیتی» آمریکا خلیج فارس را تکمیل نموده و رویکرد FTA پیوندهای چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای را بیش از پیش تضعیف کرده است.

از سوی دیگر توافقنامه تجارت آزاد با اردن که در دوره ریاست کلinton امضا شد نمونه موافقی بوده است. برطبق اخبار پس از سال ۱۹۹۸ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اردن ۴ برابر و صادرات اردن ۴۲ برابر افزایش یافته است، این صادرات «گستره‌ای از عرصه‌های جدید به غیر از نساجی بوده است».^(۳۲) با این حال کشور کوچک اردن ممکن است تحت پرتو بی‌میلی دیگر کشورهای عرب و به ویژه مصر برای به عهده گرفتن برنامه‌های آزادسازی اقتصادی پیش شرط که توسط امریکائیان ضروری پنداشته می‌شود ولی اروپایی‌ها الزامی به آن ندارند، بیشتر یک استثنا باشد تا یک قانون. در واقع اتحادیه اروپا در حالی که از روابط

تجاری قدرتمندی با کشورهایمانند تونس، الجزایر و شورای همکاری کشورهای خلیج فارس بهره‌مند است امید خود را به توسعه سریع مذاکرات جاری FTA خود با دیگر کشورها مانند سوریه، عربستان سعودی، عمان، قطر، بحرین، کویت و امارات بسته است.

شورای همکاری کشورهای خلیج فارس پنجمین بازار صادرات اتحادیه اروپا است و اتحادیه اروپا اولین شریک تجاری شورای همکاری کشورهای خلیج فارس می‌باشد.^(۳۳) در سال ۲۰۰۱ تجارت ترکیبی اتحادیه اروپا - شورای همکاری کشورهای خلیج فارس به ۷۵ میلیون یورو رسید که تشکیل‌دهنده حدود ۵۰ درصد از تجارت اتحادیه اروپا با کل جهان عرب می‌باشد.^(۳۴)

مزیت نسبی آمریکا این است که این کشور به‌عنوان «دروازه‌بان» سازمان تجارت جهانی عمل می‌کند و بنابراین همانند مورد عمان در دسترسی اخیرش به سازمان تجارت جهانی می‌تواند نقش برجسته‌تری از اروپا در حمایت از درخواست عضویت کشورهای مختلف خاورمیانه بازی کند. ولی با همان مشخصه مناقشات معلق مانده با کشورهایمانند مصر مثلاً بر روی اختیار این کشور در کپی‌برداری از برخی انواع داروها و دیگر کالاهای آمریکایی و منع ورود برخی از واردات آمریکا نشانه‌های مایوس‌کننده‌ای هستند که چشم‌انداز سیاست تجاری آمریکا در خاورمیانه را به شکل منفی گونه‌ای متأثر می‌کنند.

هرگونه گسترش روابط اقتصادی آمریکا با خاورمیانه مسلمان نه تنها به روابط بهبود یافته دوجانبه بلکه همچنین به ذهنیت فرهنگی و سیاسی مثبت و پایدار بستگی دارد. برطبق برخی اظهارات غیررسمی، تحریم عمومی کالاهای آمریکایی در بسیاری از بخش‌های خاورمیانه در واکنش به پذیرش منفی جانبداری از اسرائیل و سیاست‌های جنگ طلبانه آمریکا است که هر دو مؤثر و به‌عنوان کاتالیزور منفی در تجارت خاورمیانه - آمریکا عمل می‌کنند. بدون شک آمریکا می‌تواند مرکز قدرتمندتری برای روابط تجارت با خاورمیانه باشد. اگر الف) رویکردی متعادل‌تر در قبال مشکل فلسطین در پیش گیرد. ب) روابط خصمانه خود با جمهوری اسلامی ایران را بهبود بخشد ج) سیاست‌های سرمایه‌گذاری و کمک خارجی خود

در قبال خاورمیانه مسلمان را افزایش دهد و د) به تعهدات خود در کمک به کشورهایمانند لبنان و عربستان سعودی برای الحاق به سازمان تجارت جهانی عمل کند.

به خصوص ایران یک «نقطه ارتباط دهنده» بین اروپا و آمریکا است که نشان دهنده چگونگی کارکرد آنها در اهداف مشترک در خاورمیانه است به رغم تحریم‌های آمریکا بر ایران از طریق قانون تحریم‌های ایران - لیبی (ILSA) که با روابط تجاری رو به گسترش ایران و کشورهای اتحادیه اروپا همزمان شد،^(۳۵) در چند سال اخیر، ایران و اتحادیه اروپا در چند دور مذاکرات وارد شدند که بر روی توافقنامه‌ای در زمینه تجارت و همکاری تمرکز داشته و ۱۷ موضوع تجاری و غیرتجاری از قبیل مهاجرت، آوارگان، سرمایه‌گذاری، فناوری، ظرفیت‌سازی، حمل و نقل و موارد مشابه را شامل می‌شد. پس از توقف موقت این مذاکرات بر روی مسائل هسته‌ای اکنون دو طرف در توازن برای ترسیم روابط خود در پرتو توافقات اخیر ایران - اتحادیه اروپا / E ۳ (آلمان، فرانسه و انگلیس) در نوامبر ۲۰۰۴ پرداختند که به موجب آن در ازای تبعیت ایران از درخواست آژانس انرژی اتمی سازمان ملل برای تعلیق مبنی بر «اعتمادسازی» چرخه سوخت هسته‌ای اروپا «تعهدات پایداری» را متعهد شد تا در زمینه موضوعات اقتصادی و امنیتی با ایران همکاری کند.^(۳۶)

توافقنامه پاریس، نقطه اتکای اصلی روابط ایران - اتحادیه اروپا در شکاف‌ها قابلیت به اوج رساندن موضوعات اقتصادی، امنیتی و حتی هسته‌ای را دارد، در نگاه خوشبینانه که شکاف جاری بین اروپا و آمریکا بر روی ایران و در واقع کل خاورمیانه ممکن است حتی بزرگتر هم شود به عبارت دیگر چشم‌انداز صرف از یک چنین امکانی ممکن است به عنوان مهمیزی برای روابط جدید و اصلاح شده سیاست آمریکا بر روی ایران باشد و ممکن است سیاست جاری شرنگیری به ایران را رها کرده و به جای آن بر منافع مشترک و موازی بالقوه تمرکز کند.

حتی در آن صورت، هرگام معناداری به سوی غلبه بر ربع قرن بیگانگی دیپلماتیک قدیمی بین ایران و آمریکا مستلزم میزان بالایی از اعتمادسازی مقدماتی می‌باشد که بدان

وسيله مثلاً برداشت رایج و موجود از آمریکا در ایران به عنوان قدرت «زورمدار» و «قلدر» باید اصلاح شود و به طور مشابهی افکار عمومی آمریکا در نقش سازنده ایران در مدیریت مناقشات منطقه ای آگاه شود. این امر، به نوبه خود بعد امنیتی طرح خاورمیانه بزرگ را به پیش می کشد.

۵. بُعد امنیتی طرح خاورمیانه بزرگ

همان طور که نماینده تجاری آمریکا رابرت زولیک می گوید: «جنگ طولانی مدت در قبال تروریسم باید شامل تجارت شفافیت و توسعه باشد... تجارت چیزی بیش از کفایت اقتصادی است و این جنگ در مورد نقش آمریکا در جهان است».^(۳۷) با عنایت به نقش گسترش یابنده سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (NATO) در «خاورمیانه گسترده تر» به ویژه تحت عنوان مبارزه با تروریسم جهانی، طرح خاورمیانه بزرگ نقش مهمی را بازی می کند. جای تعجب ندارد که «ابتکار همکاری استانبول» توسط ناتو اخیراً شروع به «درگیری عملی در همکاری امنیتی» با کشورهای خاورمیانه که گفته می شود «مکمل تصمیمات آمریکا-اروپا و ۸- G برای فراخوان حمایت از اصلاحات در منطقه خاورمیانه گسترده تر»^(۳۸) می باشد، نموده است. ابتکار همکاری استانبول توسط ناتو به عنوان «رویکردی دوجانبه» با «کشورهای علاقمند» خاورمیانه برای همکاری در زمینه های زیر به حساب می آید: مبارزه با تروریسم، مخالفت با سلاح های کشتار جمعی (WMD)، قاچاق مواد، مشارکت در تمرین های ناتو که توصیه هایی برای اصلاحات دفاعی و روابط نظامی - غیرنظامی می دهد، گسترش کارآمدی نظامی.^(۳۹) پروژه های مشابهی توسط ابتکار خاورمیانه ای و شمال آفریقایی دیگر ناتو که «گفتگوی مدیترانه ای» نامیده شد دنبال شد که در سال ۱۹۹۴ آغاز و به «چارچوبی گسترده تر و بلندپروازانه تر» در سال ۲۰۰۴ ارتقا پیدا کرد - هفت کشور شرکت کننده در گفتگوی خاورمیانه ای عبارتند از: مصر، اسرائیل، موریتانی، مراکش، تونس، اردن و الجزایر. گفته می شود که هر دوی این ابتکارها «ایجاد پلهایی از طریق دیپلماسی عمومی» را فراهم می کنند

و «برنامه مهم غیرقابل دسترس در جهان عرب را دربرمی گیرند».^(۴۰) با توجه به واکنش های به طور عمده منفی عربی به حمله آمریکا به عراق و خصومت مربوط به هر نوع همکاری با اسرائیل این امر چندان تعجب برانگیز نمی باشد. به رغم ابتکار همکاری استانبول ناتو ارتباط صریح «این دو ابتکار» با آن با «اعضای شورای همکاری خلیج فارس» آغاز می شود.^(۴۱) لازم به ذکر است که برخلاف گفتگوی مدیترانه ای که همکاری چندجانبه را دنبال می کند ابتکار همکاری استانبول در ذات خود به شدت دوجانبه است. با وجودی که این امکان را مطرح می کند که تأثیر صرف آن تضعیف ترتیبات امنیتی چندجانبه منطقه ای موجود به ویژه منطقه خلیج فارس خواهد بود. گفتگو و تعاملات در حال جریان بین ناتو - شورای همکاری کشورهای خلیج فارس در حالی برقرار است که آمریکا مثلاً با کویت تا سال ۲۰۱۱ دارای توافقنامه امنیتی دوجانبه بوده و نقش قدرتمند ناتو با ۶۵۰۰ نیرو در افغانستان و همچنین نقش آن در آموزش نیروی پلیس دولت جدید عراق که با اعزام ۳۰۰ نیرو به عراق و پس از کنفرانس استانبول در سال ۲۰۰۴ انجام گرفت توسط وزیر خارجه ایران به عنوان «دخالت در امور داخلی عراق» محکوم شد.^(۴۲)

بنابراین «ناتوی جدید» در زیرساخت های امنیتی پس از ۱۱ سپتامبر خاورمیانه به طور فزاینده ای در حال درگیر شدن است ولی با این وجود هنوز سؤال محدودیت های ساختاری این درگیر شدن باقی است، با توجه به این حقیقت که حتی در عراق که آمریکا به طور یکجانبه ای موضوعات امنیتی را دیکته می کند، حضور ناتو در عراق با بی میلی توسط آمریکا پذیرفته شد که حتی پس از اعمال نفوذ وسیعی که توسط اعضای اروپایی ناتو صورت گرفت، اروپایی ها خود را به ناتو محدود نکردند ولی سازمان همکاری و امنیت اروپا (OSCE) کانال دیگری را برای گفتگوی امنیتی اروپا - خاورمیانه تشکیل می دهد.

به رغم گفتگوی ناتو - سازمان امنیت و همکاری اروپا و همکاری بر روی موضوعات امنیتی منطقه،^(۴۳) سازمان امنیت و همکاری اروپا در اعتماد سازی امنیتی «گفتگوی مدیترانه ای» و جلوگیری از بحران خود با ناتو موازی حرکت می کند که تاحدودی به لطف

پارادایم «امنیت همکاری جویانه» پس از ائتلافی است که قدری آنرا در مسیری غیر از ناتو قرار می‌دهد که همکاری امنیتی ائتلاف گونهای را با شش کشور شورای همکاری کشورهای خلیج فارس پیرامون موضوع «مبارزه با تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی» را تعقیب می‌کند.

تحت پرتوی اتهامات آمریکا علیه ایران به عنوان گسترش دهنده سلاح‌های هسته‌ای، این امر قابلیت ائتلاف بین ناتو - شورای همکاری خلیج فارس علیه ایران را که می‌تواند شامل عراق «جدید» هم باشد بالا برده است.

پس همخوانی جزئی بین ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا احتمالاً در آینده به بوته آزمون گذاشته شده و حتی پارادایم‌های امنیتی آنها و حتی تضاد تجویز امنیتی آنها با توجه به خارج نگه داشته شدن عضو خلیج فارس یعنی ایران به اوج خواهد رسید. هر چند یک چنین پیامدی رویدادی غیرقابل اجتناب نیست و در عوض به مجموعه‌ای از عوامل که از تحول قدرت نظامی مستقل اروپایی که امروزه در سطح مقدماتی قرار دارد تا پیامد گفتگوی ایران - اتحادیه اروپا در موضوعات امنیتی و آینده روابط ایران و شورای همکاری کشورهای خلیج فارس را در بر می‌گیرد. بحثی گسترده‌تر از این مسائل به همه جا تعلق دارد. اینجا کافی است بگوییم که هر دو پارادایم در بخش کشورهای اروپایی که عضو اتحادیه اروپا هستند به طور همزمان قابل اجرا هستند و باید دید که کدام یک دست بالا را در آینده (نزدیک) خواهد داشت. یک سؤال مرتبط با موضوع در این زمینه این است که کشورهای مختلف خاورمیانه از جمله جمهوری اسلامی ایران به منظور تقویت پارادایم امنیت همکاری جویانه (OSCE) و تضعیف جنگ سرد یعنی رویکردی تعادلی چه کاری می‌توانند انجام دهند؟

باتوجه به موفقیت تاریخی روند سازمان امنیت و همکاری اروپا در اروپا ایده سازوکاری مشابه سازمان امنیت و همکاری اروپا برای منطقه که بتواند بر روی اصول امنیت دسته جمعی، حقوق بشر و حکومت کارآمد که در روند هلسینکی قوت یافت تمرکز کند مدنظر است. بنا به نظر لورت، الگوی سازمان امنیت و همکاری اروپا که بر روی جامعیت و

مانعیت موضوع تمرکز کند، بنیانی نظری و مفهومی برای سازوکار جدید همکاری امنیتی برای خاورمیانه فراهم می‌کند.^(۴۴) با این وجود محدودیت‌هایی برای عملی بودن الگو برای سازمان امنیت و همکاری اروپا برای خاورمیانه وجود دارد. محدودیت‌هایی مانند وجود جهت‌بندی‌های امنیتی پراکنده که به عنوان عامل انقطاعی در کلیات همکاری امنیتی عمل می‌کند.

۶. واکنش ایرانی و عربی به طرح خاورمیانه بزرگ

در ابتدا واکنش‌های رسمی و نیمه‌رسمی به طرح خاورمیانه بزرگ تقریباً به طور کامل منفی بود، در حالی که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از این طرح به‌خاطر نادیده گرفتن موضوع روند صلح خاورمیانه انتقاد کردند. تعدادی از صاحب‌نظران مطبوعات و رسانه‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقا فوراً به آن طرح انگ زدند به این عنوان که آخرین نمود «نوامپریالیسم آمریکا» بی‌بوده که براندازی جهان اسلام را هدف قرار داده و کنترل هژمونیک آمریکا از طریق ابزارهای نظامی و غیرنظامی مانند قدرت نرم را بر منطقه برقرار می‌سازد. به عنوان نمونه، ستون نویسی در الاهرام با اشاره به سیاست تغییر وضع موجود آمریکا در عراق به عنوان نقطه آغازین طرح «خاورمیانه بزرگ» نوشت: «پیشتر خاورمیانه مانند یکی از مناطق جهان مورد برخورد قرار می‌گرفت ولی امروزه به عنوان زادگاه تروریسم جهانی تلقی می‌شود و حضور مستمر پیمانی نظامی یعنی ناتو را توصیه می‌کند. این امر در واقع تقابل مستمر نیروهای خوب و شر را تبیین می‌کند. خاورمیانه نوین به این معنا بود که خاورمیانه را به عنوان منطقه‌ای که بتواند از حالت جنگی به حالت صلح گذراند، ترسیم کند. اکنون به نظر می‌رسد که طرح خاورمیانه بزرگ با تهدیدات دائمی خشونت غیرقابل مدیریت به ستوه آمده است.^(۴۵)

در قسمت مثبت آن، تعداد اندکی از مفسران عرب از طرح خاورمیانه بزرگ به عنوان گام اصلاحی به هنگامی توسط دولت بوش و برای اصلاح رویکرد نظامی و اجبارآمیز خود در

قبال منطقه استقبال کردند.^(۴۶) یک چنین تغییراتی وجود داشتند و هنوز هم ادامه دارند ولی با انبوهی از بیانات و نظرات منفی تحت الشعاع قرار گرفته‌اند. نظراتی که این‌گونه استدلال می‌کنند که طرح خاورمیانه بزرگ شکل گسترش یافته‌ای از رویکرد قدرت سخت آمریکا است که با هدف روان کردن ماشین جنگی آمریکا منجر به آشفتگی در منطقه شده که تاکنون با مقاومت سرسختانه‌ای در عراق مواجه شده است و تا حدودی با حمایت خارجی به همراه نفرت عمومی بر ضد «لویاتان» آمریکایی که توسط «نومحافظه کاران» «طرفدار اسرائیل» اداره می‌شود، عجین گشته است.^(۴۷)

دیدگاه دیگری طرح خاورمیانه بزرگ را به عنوان توطئه غرب برای «غیراسلامی» کردن منطقه و با سرزنش اسلام به عنوان مقصر اصلی عقب ماندگی و عدم توسعه متهم کرده است.^(۴۸)

در واقع تعداد روزافزونی از مفسران خاورمیانه بحث می‌کنند که مأموریت طرح خاورمیانه بزرگ اگر نه به طور واضح ولی حداقل به طور ضمنی «سکولاریزه» کردن منطقه و با اتخاذ جمهوری سکولار و طرفدار غرب ترکیه به عنوان یک الگوی مناسب می‌باشد.^(۴۹) تمامی نمودارها حکایت از این دارد که ترکیه بدون توجه به ملاحظات پنهان خود که این طرح ممکن است هویت خاورمیانه‌ای کشورش را در مقابل هویت اروپایی‌اش تشدید کند و بنابراین به موانع موجود در قبال عضویتش در اتحادیه اروپا بیافزاید، طرح خاورمیانه بزرگ را پذیرفته است. در پرتوی گسترش تمایلات در اتحادیه اروپا در مورد به تأخیر انداختن عضویت ترکیه در آن ۱۵-۱۰ سال دیگر، تصمیم ترکیه برای تایید طرح خاورمیانه بزرگ با پنجره باز و جدید همکاری با اتحادیه اروپا روبرو شده است، به طور همزمان همکاری‌های خود را با ایالات متحده به عنوان متحدی قابل اعتماد تقویت نموده است زیرا با توجه به ترس و نگرانی‌های ترکیه در مورد برتری قدرت کردها در شمال عراق که روابط نزدیک ترکیه - آمریکا را ضروری می‌نماید. بنابراین در کنفرانس طرح خاورمیانه بزرگ در دسامبر ۲۰۰۴ در رباط با عنوان «نشست برای آینده» ترکیه به منظور گسترش انسجام مؤسسات

دموکراتیک در منطقه پیشنهاد ایجاد «گفتگو برای کمک به دموکراسی» را داد.^(۵۰)

بدون لحاظ کردن مشارکت برخی از دولت‌های خاص خاورمیانه در طرح خاورمیانه بزرگ هنوز بزرگترین مشکل این طرح تصور همه‌گیری است که از آن به‌عنوان تکمله «قدرت نرم» نظامی سلطه‌جویی آمریکا در منطقه یاد می‌شود. در مقاله سیاسی که توسط گروه بحران بین‌المللی و تحت عنوان «طرح خاورمیانه گسترده‌تر و شمال آفریقا: از نطفه به خطر افتاده است» این مسأله مورد بحث قرار گرفت که این طرح برای این که «امکان ایجاد نوعی از همکاری طولانی مدت بین کشورهای عربی و اصلاح طلبان محلی را ایجاد کند... آمریکا باید گام‌های مهمی برای تغییر محتوای سیاسی به شدت نامطلوبی که این طرح با آن آغاز می‌شود، بردارد».^(۵۱) در پاسخ، آمریکا مبارزه مشتاقانه خود برای انجام اصلاحات در خاورمیانه را کاهش داده و اکنون اصرار دارد که «هرگز تمایلی به تحمیل دستورالعمل اصلاحاتی تک محوره به منطقه ندارد».^(۵۲) با این وجود چنین بیانات اطمینان‌بخشی در حالی ایراد می‌شود که با سابقه عملی اقدامات تحمیلی نظامی آمریکا در عراق و دیگر نقاط خاورمیانه و همچنین دیگر سیاست‌های اجبارآمیز مربوطه روبرو هستیم که کشورهای خاصی را به‌عنوان «کشورهای یاغی» طبقه‌بندی می‌کند و آنها را از مؤسسات جهانی بیرون نگه می‌دارد زیرا آنها از اطاعت بی‌چون و چرا از اوامر آمریکا سرباز زده‌اند.^(۵۳)

باوجود تردیدهای منطقه‌ای که در مورد نیت واقعی در پس طرح خاورمیانه بزرگ وجود دارد آنچه که مشخص است این است که ایستار «سرزنش اسلام» پس از یازده سپتامبر در آمریکا و اروپا همچنان قوی است. به رغم این که تحلیل‌های اخیر نشان می‌دهد چنین نتیجه‌گیری‌هایی غیرمنطقی است.^(۵۴)

در بحث از اثرات عملی طرح خاورمیانه بزرگ برخی کارشناسان ایرانی آن را به‌عنوان بخشی از سیاست واقع‌گرایانه^۱ آمریکا تلقی نموده و هشدار داده‌اند که این طرح منجر به میزان بالایی از «تنش و بحران در منطقه» خواهد شد.^(۵۵) مفسران دیگری پیش‌بینی کرده‌اند که نیت

واقعی ایالات متحده استفاده از «ترفند دموکراسی» به منظور تضعیف یا سرنگونی دولت‌هایی است که آنها را نسبت به منافع خود مغایر و غیردوستانه تلقی می‌کند. آنها همچنین معتقدند که فشار آمریکا برای دموکراتیزه کردن ممکن است فروپاشی دولت‌های ضعیف خاورمیانه جایگزین را به اوج برساند و نه تنها دموکراسی‌های باثبات شکل نگیرد بلکه حتی رژیم‌های اقتدارگراتر و دیکتاتورتری ایجاد نماید.^(۵۶)

یک چنین انتقادهای تندی از طرح خاورمیانه بزرگ به‌طور عمده از ستون‌های روزنامه که اغلب توضیحاتی تقلیل‌گرایانه از طرح خاورمیانه بزرگ ارائه می‌کردند آغاز شد که منطق آنرا به انگیزه‌های تبلیغاتی و یا به‌طور عمده سیاسی تقلیل می‌دادند بدون این که اشاره‌ای به چندگانگی عوامل قابل تشخیصی که آن را برمی‌انگیختند، یعنی عواملی از قبیل تأثیر بالقوه این طرح بر هرچه بیشتر «جهانی شدن» خاورمیانه، داشته باشند. برای جلوگیری از چنین توضیحات تقلیل‌گرایانه‌ای نیاز به تمایز دقیق بین ورودی‌های مختلف اقتصادی و ژئواستراتژیک در طرح خاورمیانه بزرگ می‌باشد. به دنبال الزام یک چنین تمایزات تحلیلی امکان دارد طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا را به‌عنوان یک ظهور هدفمند سرمایه‌داری جهانی ارزیابی کرد که به دنبال همگرایی منطقه در سیستم سرمایه‌داری بین‌المللی و رژیم‌های تجاری آن می‌باشد، برخلاف نقش همزمانی که طرح خاورمیانه بزرگ به‌عنوان حمایت کارکردی برای هژمونی آمریکا ایفا می‌کند. البته این دو عامل علی به شدت به هم مربوط هستند و این یک اشتباه فاحش است که یکی را به دیگری کاهش دهیم و یا استقلال نسبی آنها را از یکدیگر چشم‌پوشی کنیم، تمام موضوعات مربوط به طرح خاورمیانه بزرگ تنش بین دو درک مختلف از برتری جویی سیاسی - نظامی و جهانی شدن اقتصادی را شعله‌ور می‌کند که رویکردهای متمایز از طرح خاورمیانه را بزرگ تقویت می‌کند. در واقع، مطالعه ژرف طرح خاورمیانه بزرگ احتمالاً نمی‌تواند بدون تحقیق پیرامون تنوع مفاهیم جهانی شدن و چگونگی درک ساختارهای اساسی مانند حاکمیت و رژیم دنبال شود.^(۵۷) طرح خاورمیانه بزرگ به قرائت‌های چندگانه‌ای مثلاً به‌عنوان نتیجه تصویر قدرت و یا تلفیق اقتصاد جهانی شونده به

رهبری آمریکا دعوت می‌کند که به دنبال گردهم آوردن بازار رو به رشد خاورمیانه که باید هر تحلیل مهم مربوط به طرح خاورمیانه بزرگ لحاظ شود، می‌باشد. به هر حال در سطح سیاسی، واکنش ایران به طرح خاورمیانه بزرگ و طرح مشارکت برای صلح که جایگزین قبلی شده است و در سطوح مختلفی از تحریف و پیچیدگی و مطابق با الزامات پیچیده نیازمندی‌ها و سیاست‌های خارجی و داخلی ایران در محیط جدید پس از حمله به عراق روی می‌دهد.

۷. گزینه‌های سیاسی ایران درخصوص طرح خاورمیانه بزرگ

ایران، متناسب با تاریخ، نقش، موقعیت و درک خود درخاورمیانه باید پاسخی پیشرفته و چندلایه به طرح خاورمیانه بزرگ ارائه دهد که می‌تواند به طور همزمان نگرانی‌های امنیت ملی را با توجه به آمریکایی شدن بی سابقه سیاست‌های خاورمیانه از زمان حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و همچنین اولویت‌های اقتصادی کشور که همکاری بیشتر با خاورمیانه را می‌طلبد افزایش دهد. مطمئناً پذیرش غیرانعکاسی مقاصد ملایم‌تر طرح خاورمیانه بزرگ، که این طرح به طور استدلالی و سیاسی بر آن اشراف دارد و گسترش سیاست برتری جویانه کلی آمریکا در قبال خاورمیانه است، یک گزینه نمی‌باشد.

طرح خاورمیانه بزرگ ارتباط موجود تحقیق یافته و قوی شده‌ای بین ایالات متحده و خاورمیانه را نمایندگی می‌کند این امر برگسترش تعاملات، ارتباطات و وابستگی‌های متقابل بین آمریکا و خاورمیانه که دربرخی موارد سرشت ارتباط بین تنها ابرقدرت غرب و منطقه را تغییر و تعریف مجدد می‌کند دلالت دارد.

طرح خاورمیانه بزرگ یک برنامه ارسالی از آمریکا به خاورمیانه است هدفش برداشتن تعرفه‌ها برای سرمایه‌گذاری خارجی و تقویت همگرایی اقتصادی اقتصادهای محلی با سرمایه‌داری آمریکایی می‌باشد. سطح پایین طرح خاورمیانه بزرگ شامل تضعیف خودمختاری خاورمیانه، از بین بردن توسعه خودخواهانه، کنار گذاشتن ناسیونالیسم، افزایش امنیت عمودی و وابستگی اقتصادی و ایجاد روابط نزدیک مبتنی بر همزیستی بین توسعه و

غرب‌گرایی می‌باشد. حتی مؤسسات مورد احترام جامعه مدنی مانند سازمان‌های غیردولتی (NGO) در منطقه ممکن است در نتیجه تمرکز طرح خاورمیانه بزرگ بر روی آنها اذیت شوند که این تمرکز می‌تواند به نوبه خود، شبهاتی در مورد این سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان ابزارهای نفوذ هژمونیک ایجاد کند. چشم‌انداز سلطه رو به رشد قدرت آمریکا در کنترل انتخاب‌های دولت‌های منطقه به‌عنوان مثال با توجه به مسائل تجاری و غیرتجاری به‌طور ویژه‌ای نمایان است.

به‌طور همزمان به تمامی پیامدهای خواسته و ناخواسته طرح خاورمیانه بزرگ در یک جهت اشاره نمی‌شود. به جای دیدن آنها به‌عنوان سربازان صرف نفوذ آمریکا بهتر است که بر روی نقش کشورهای خاورمیانه به‌عنوان شرکت‌کنندگان فعال در بازسازی و اولویت‌بندی مجدد دستورالعمل طرح خاورمیانه بزرگ تمرکز شود. تضاد اصلی، از یک سو بین آنهایی است که با پذیرش و مشارکت ایران در طرح خاورمیانه بزرگ به‌طوری که بتواند در طرح‌های آمریکا نقش داشته باشد و کنترل نامحدود آمریکا در منطقه را با چالش مواجه کند، از سوی دیگر آنهایی که با تصویر طرح خاورمیانه بزرگ به‌عنوان منعکس‌کننده عرصه عمل قدرت انحصاری آمریکا و تاحدود کمتری اروپا مخالفت می‌کنند و در عوض استدلال می‌کنند که اجرای طرح خاورمیانه بزرگ با عنایت به انحراف آمریکا از «قدرت سخت» نظامی خود و یا حداقل با درگیر شدن در وابستگی متقابل رو به رشد پتانسیل مثبتی دارد.

با توجه به این واقعیت که طرح خاورمیانه بزرگ موضوعات واقعی و بروز توسعه اجتماعی - اقتصادی را که کل منطقه را دربرگرفته است مورد خطاب قرار می‌دهد، ایران باید نگرش خاص خود از سرشت مشکلات و راه‌حل‌ها به علاوه ابتکار حوزه‌های جدیدی برای بحث‌ها و موضوعات منطقه‌ای را که بدان وسیله خلأ کنونی رویکردی داخلی برای این مشکلات پر شود، به شکل قاعده‌مندی درآورد. جای هیچ شکی نیست که طرح خاورمیانه بزرگ به مباحث رشد، حکومت و دموکراتیزاسیون در خاورمیانه کمک زیادی کرده است. رد کامل که مسائل منطقه‌ای و جهانی را بدون قالب بندی پاسخ مناسبی برای طرح خاورمیانه

بزرگ به دو نیم تقسیم خواهد کرد و بدون توجه به اهمیت مؤسسات چندملیتی، روندهای فراملی و بازیگران غیردولتی، مطمئناً به ضرر منافع ملی ایران بوده و صرفاً به انزوای ایران خواهد افزود. یک عیب عمده در رویکرد ردگرایانه این است که این امر از تجانس جزیی سیاست‌های اقتصادی و غیراقتصادی ایران با محتوای طرح خاورمیانه بزرگ چشم‌پوشی کرده است.

۸. طرح خاورمیانه بزرگ، سیاست‌ها و اولویت‌های اقتصادی ایران

یک تحلیل محتوایی از طرح خاورمیانه بزرگ همخوانی و تجانس قابل ملاحظه در بسیاری از تجویزات سیاسی آن با سیاست‌های جاری جمهوری اسلامی ایران هم از لحاظ اقتصادی، سیاسی و هم اجتماعی را نشان می‌دهد. ایران به عنوان کشوری که دارای اقتصاد غنی از لحاظ منابع و کاربر محسوب می‌شود در سال‌های گذشته سیاست‌های پیچیده‌ای برای انتقال به سوی اقتصاد بازار - محور و یا مشارکت بیشتر بخش خصوصی و همچنین سرمایه خارجی را دنبال کرده است. اصلاحات اقتصادی بعد از اواخر سال‌های دهه ۱۹۹۰ بر روی تثبیت نرخ ارز و تجارت متمرکز شد. در سال ۲۰۰۲ قانونی جدید برای جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی انتشار یافت و سال بعد در مقایسه با سال ۲۰۰۲ افزایش بیش از ۴ برابر سرمایه‌گذاری خارجی مشاهده شد.^(۵۸) در همان دوره، سهم بخش خصوصی از تولید ناخالص ملی (GDP) حدوداً بیش از ۳۴ درصد افزایش یافت.

«دولت رانتیر» ایران که هنوز به عنوان «یکی از دولتی‌ترین اقتصادها در جهان»^(۵۹)

محسوب می‌شود با وجود نرخ بالای یارانه‌های دولتی در مسیر خصوصی‌سازی قرار گرفته است همان‌طور که در تلاش‌های سازمان خصوصی‌سازی کشور برای خصوصی‌سازی صدها شرکت دولتی و فروش سهام دولتی به ارزش میلیاردها ریال در مورد شرکت‌های بزرگ و متوسط دولتی مانند شرکت دریایی صنعتی ایران، صنایع آذر آب، کارخانه ماشین‌سازی اراک منعکس شده است.^(۶۰) به شکل مشابهی، دولت شروع به تغییر دادن خدمات اساسی مانند

صنعت هواپیمایی و یا بخش مالی که بیش از ۹۵ درصد موجودی سیستم بانکی را کنترل می‌کند، نموده است. از سوی دیگر، مناطق آزاد تجاری ایران جزایر و بنادر زیادی در خلیج فارس، دریای خزر و همچنین مرز ایران - پاکستان که اصلاحات سیاسی تجاری مهمی را که بر روی قطع تعرفه مرزی به منظور تشویق سرمایه‌گذاری و تجارت به خود دیده پوشش می‌دهند.^(۶۱) به علاوه، با تمام اندوه امریکا و اروپایی‌ها در مورد سیاست‌های ارتجاعی منطقه، ایران عملاً در خط مقدم همکاری منطقه‌ای به‌ویژه با کشورهای آسیای مرکزی - قفقاز بوده است. این کشورها حداقل ۲۹۸ پروتکل با ایران امضا کرده‌اند. ۱۹۲ پروتکل به همکاری اقتصادی مربوط می‌شوند.^(۶۲) علاوه بر پیوندهای دوجانبه، ایران از اوایل دهه ۱۹۹۰ انرژی زیادی در چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای و به‌ویژه از طریق سازمان همکاری اقتصادی (ECO) خرج کرده است.^(۶۳) اکو «محیط‌های اولویت» زیادی را که شامل حمل و نقل، تجارت، انرژی و قاچاق مواد مخدر است ایجاد کرده است که علت اصلی ایجاد توافقنامه تجاری منطقه‌ای اکو (ECOTA) به منظور کاهش و یا به حداقل رساندن تعرفه‌های تجاری بین منطقه‌ای می‌باشد.^(۶۴) در حالی که برخی از ناظران اکو از کمبود پیشرفت در برخی برنامه‌های اکو ناامید شده‌اند، ایران برخی از اعضای اکو را به خاطر تصمیم آنها برای غفلت از اکو و تمرکز توجه‌شان به جای دیگر به شدت سرزنش می‌کند. مثلاً اعضای آسیای مرکزی اکو همچنین عضو سازمان همکاری اقتصادی آسیای مرکزی هستند که روسیه هم در سال ۲۰۰۴ وارد آن شد.

همان‌طور که محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران به وضوح تصدیق کرد، ورود حدود ۷۰۰ هزار نیروی کار جدید به بازار کار سالانه نمایانگر فشار جدی می‌باشد. علاوه بر جمعیت بیکار ۳ الی ۴ میلیونی کنونی «۹ میلیون جوان جویند کار در ۵ سال آینده»^(۶۵) بدون شک اولویت‌های اقتصادی دولت را تقویت خواهد کرد، این بدان معنا است که الگوهای گذشته ایجاد اشتغال دیگر پایدار نخواهد بود و در صورت عدم تسریع استخدام در بخش خصوصی تعداد فزاینده تازه واردان مجبور به ورود به بازار غیررسمی و یا بوروکراسی‌های عریض و طویل خواهند بود.

تاکنون تلاش‌های پس از انقلاب ایران برای متنوع کردن اقتصاد و بدین ترتیب کاهش وابستگی دولت به نفت موفقیت‌آمیز نبوده است، با توجه به بی‌ثباتی بازار نفت، تقاضای روبه‌فزونی داخلی و رشد سریع جمعیت، متنوع سازی منابع درآمد به‌طور ویژه‌ای برای ایران ضروری است. این امر به‌نوبه خود خواهان رویکردی بیرونی برای توسعه اقتصادی که بخشی برای هم‌تراز کردن سیاست‌های تجاری خود با هنجارهای بین‌المللی است می‌باشد که ساختارهای تعرفه‌ای را همساز و موانع غیرتعرفه‌ای ناکافی را برمی‌چیند.

باوجود موارد بالا، درعوض رد غیرمستقیم طرح خاورمیانه بزرگ ایران می‌تواند رویکرد ظریفی را در پیش بگیرد که به موجب آن بر برخی ابعاد و یا برنامه‌های طرح خاورمیانه بزرگ مانند برنامه‌ای که توسط مراکش و بحرین برای ایجاد مرکزی منطقه‌ای جهت مزیت سرمایه‌گذاری برای ایجاد آموزش تجارت در منطقه در پیش گرفته شد تمرکز کند. دلیلی که ایران می‌تواند با چنین رویکرد ظریفی و با هزینه‌های سیاسی اندکی پیش برود این است که یک چنین برنامه‌هایی با وجود ارتباطشان به طرح مشارکت برای پیشرفت و طرح خاورمیانه بزرگ ضرورتاً نشانه هویتی آنها را حمل نمی‌کنند و بدین‌گونه به‌طور نظری به ایران اجازه نمی‌دهند تا بدون انگ مشارکت در «دستورالعملی امریکایی» در آن مشارکت کند. با توجه به سرشت شناسایی شده برخی از این برنامه‌ها در چارچوب طرح خاورمیانه بزرگ تا یک اندازه بازی با حاصل جمع مثبت در مجموعه مختلفی از برنامه‌های طرح خاورمیانه بزرگ بیشتر مطرح است.

۹. استراتژی توصیه شده ایران در مقابل طرح خاورمیانه بزرگ

در کل، پاسخ محتاطانه ایران به طرح خاورمیانه بزرگ می‌تواند هم مخرب و هم سازنده و همچنین به‌طور هم‌زمان انتقادی و یا پذیرنده باشد که بر روی ریزبرنامه‌های خاص طرح خاورمیانه بزرگ تمرکز کند در حالی که به برخی ابعاد دیگر آن که بیش از هر چیز برای منافع غرب سودمند پنداشته شود نگاه انتقادی داشته باشد. برای شرح دقیق، نکات عمده

واکنش ظریفانه ایران می تواند به شکل زیر باشد.

واسازی: واسازی منطقی از طرح خاورمیانه بزرگ بر انتقاد از نیات برتری جویانه اساس اعتبار رویکرد دوجانبه آمریکا که بخشی از طریق مذاکرات و نشست های چندجانبه انجام می گیرد، هدف تبلیغاتی طرح خاورمیانه بزرگ برای سیاست تهاجمی، منابع ضعیف تعلق یافته توسط آمریکا به این طرح و چارچوب های امنیتی غیرافقی که به عنوان همزاد طرح خاورمیانه بزرگ از آن حمایت می شود متمرکز است که با تأکید بر تحریف های سیستماتیک سخن طرح خاورمیانه بزرگ از جمله نادیده گرفتن ابعاد مثبت سیاست ها و دموکراسی های خاورمیانه مانند انتخابات منظم در ایران و هدف قرار دادن کشورهای خاص برای دموکراتیزه کردن است.

بازسازی: مشارکتی مستقیم در مباحث و مذاکرات در حال انجام در مورد علل و ابعاد توسعه نیافتگی اقتصادی در منطقه، تمرکز مجدد بر روی بحث طرح خاورمیانه بزرگ در مورد ابعاد منفی تهاجم خارجی و ایجاد جنگ در حالی که این طرح دارای تمایل طرفداری از وابستگی متقابل است. تأکید بر ارتباط بین طرح خاورمیانه بزرگ و روند صلح خاورمیانه و دربرگیرندگی ابتکارات منطقه ای بازسازی مباحث امنیتی با تأکید بر ترتیبات امنیتی افقی بدون سلسله مراتب به رهبری خارجی ها.

ارتباط: دیپلماسی ارتباطی که بدان وسیله همتایان اتحادیه اروپایی ایران در مذاکرات هسته ای باید از حمایت شایسته ایران از طرح مشارکت برای پیشرفت در عوض گفتگوی تداوم یافته ایران - اتحادیه اروپا که مسائل اقتصادی و امنیتی به علاوه مسأله هسته ای را می پوشاند آگاه باشد.

همکاری گزینشی: ایران می تواند ابعاد خاصی از طرح خاورمیانه بزرگ را برای همکاری گزینشی با استفاده از آنها به عنوان محورهای اعتمادسازی با اروپا و آمریکا، کشورهای منطقه ای (منهای اسرائیل) و جامعه بین المللی هدف قرار دهد. این همکاری می تواند به گونه ای تجربی در موردی که ایران برای تحقیق گزینه همکاری گزینشی با ناتو،

اتحادیه اروپا و یا سازمان امنیت و همکاری اروپا در خاورمیانه و خلیج فارس انجام می‌دهد، روی دهد.

در نتیجه، اقدام سیاست خارجی توصیه شده صرف باید مبتنی بر روابط منعطف و روان با یکدیگر و عامل در امکان اولویت در حال تغییر مشارکت‌کنندگان در محیط بحران خاورمیانه باشد. تنها پس از آن سیاست خارجی ایران می‌تواند در دستیابی به موفقیتی در سیاست خاورمیانه‌ای خود شانس در خور داشته باشد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع

1. Maleki, A. & Afrasiabi K. (2003, Summer). Iran's Foreign Policy Since September 11. *Brown's Journal of World Affairs*, Vol. IX, No. 2, 255-266.

۲. در نشست سران G-۸ در ژوئن ۲۰۰۴ دولت آمریکا «برنامه کاری» ارائه کرد که افغانستان و پاکستان را به عنوان بخشی از «خاورمیانه بزرگ» محسوب کرده است. اگرچه نامشخص است که آیا به ویژه کشوری مثل پاکستان باید بخشی از خاورمیانه به حساب آید. منطقه خاورمیانه نیازمند تعیین حدود سریع تری است و یک تعریف وسیع تر ممکن است عملاً انحراف مفهومی قابل ملاحظه ای را به اوج برساند.

۳. کارهای ارائه شده عبارتند از:

- Halpern, M., (1963), *The Politics of Social Change in the Middle East*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

- Lerner, D., (1958), *The Passing Traditional Society: Modernizing the Middle East*. The Free Press.

- Binder, L. (Ed.). (1971). *Crises and Sequence in Political Development*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

- آثار مربوط به رویکرد مدرنیزاسیون همگون نیستند. آیزنشتات مدرنیزاسیون را با غربی کردن یکی دانسته است. ر.ک:

- Eisenstadt, S. N. (1966), *Modernization: Protest and Change*. New Jersey: Prentice Hall.

- مفهومی بدیل از مدرنیزاسیون، ظرفیت بالابردن تقاضاها و حل معضلات می باشد. ر.ک:

- Levy, M. J. (1966), *Modernization and the Structure of Societies*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

4. United Nations Development Program, (2002), *Arab Human Development Report 2002: Creating Opportunities for Future Generations*. New York: Author.

۵. برای یک نگاه متعالی واکنش‌های انتقادی به گزارش سازمان ملل. ر.ک:

Baroudi, S. E. (2002, Spring), The 2002 Arab Human Development Report. *Middle East Policy*, pp. 132-141.

6. World Bank. (2004), *Jobs, Growth, and Governance in the Middle East and North Africa*. New York: Author.

این گزارش اعلام می‌دارد که بخش عمومی یک سوم تمام استخدام‌ها در خاورمیانه را به خود اختصاص داده است که موتور سنتی ایجاد شغل «چالش استخدام در قرن ۲۱ را پاسخگو نخواهد بود». ص. ۵. این گزارش می‌افزاید که چالش حاکمیت اولیه «از ضعف در شمول و مسئولیت عمومی» سرچشمه می‌گیرد. ص. ۸.

7. Reuters. (2004a, December 12).

8. *New York times*, (2004, October 23, p. A 23).

۹. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Carothers, T. (2003, January/February). Promoting Democracy and Fighting Terror. *Foreign Affairs*, Vol. 82, No. 3, pp. 281-298.

۱۰. برای جزئیات مباحث استراتژی بازی ایران - آمریکا، ر.ک:

Afrasiabi, K. (1994), *After Khomeini: New Directions in Iran's Foreign Policy*. Colorado: Westview Press.

۱۱. ر.ک به:

U. S. Embassy in Berlin. (2004a, December 12), *Egyptian Goods With Israeli Content to Get Duty Free Treatment*. Available: www.uspolicy.be.

این توافق سه‌جانبه، ایجاد مناطق با صلاحیت صنعتی را مانند آنچه در اردن موجود است، خواهان است. تا با تقویت ارتباط تجاری بین اسرائیل و مصر و ایالات متحده «همگرایی اقتصادی منطقه‌ای» در خاورمیانه را تشویق کند.

۱۲. سخنان جرج دبلیو بوش در بیستمین سالگرد تأسیس بنیاد ملی دموکراسی، در واشنگتن دی. سی. در ۶ نوامبر ۲۰۰۳ که در تاریخ ۷ نوامبر ۲۰۰۳ از واشنگتن پست نقل قول شده است. بنا به اظهارات بوش «مادامی که خاورمیانه به عنوان مکانی برای خودکامگی، نومییدی و خشم باقی بماند، این منطقه به تولید مردان و جنبش‌هایی که امنیت آمریکا و دوستان ما را به خطر می‌اندازند ادامه خواهد داد... ما دشمنان اصلاحات را به چالش خواهیم کشاند و با متحدان ترور مقابله نموده و استانداردهای بالاتری را از دوستانمان توقع خواهیم داشت».

13. Wittes, T. C. (2004, July), The Promise of Arab Liberalism. *Policy Review*, No. 127, pp. 86-114.

14. Gambill, G. C. (2004, June/July). Jumpstarting Middle East Reform. *Middle East Intelligence Bulletin*, Vol. 6, No. 6-7, pp. 67-85.

۱۵. برای آشنایی با دیدگاه مخالف که بیانیه‌های G-8 را به عنوان «بیروزی توخالی برای آمریکا» به حساب می‌آورد، ر.ک:

Ottaway, M. (2004, June). The Broader Middle East and North Africa Initiative: A Hollow Victory for the United States. *Carnegie Endowment for International Peace*.

16. Al-Hayat. (2004, February 13). *The Greater Middle East*, p. 1.

۱۷. احساسات مشابهی توسط جوئی چی تاکاهارا معاون دبیرکل اداره امور خاورمیانه و آفریقای وزارت امور خارجه ژاپن به نویسنده در نوامبر ۲۰۰۴ در تهران ابراز شد. بنا به نظر آقای تاکاهارا، ژاپن به‌طور فعالانه‌ای در تمامی کارگاه‌ها و نشست‌های (پیش‌روی) طرح خاورمیانه بزرگ شرکت نموده و به این فعالیت‌ها کمک مالی نموده است.

۱۸. حتی با عنایت به عراق، ایالات متحده نسبت به ایده اروپایی صندوق اعتماد مستقل چندجانبه چندان تمایلی ندارد. ایده‌ای که توسط کمیسیونرهای امور خارجی اتحادیه اروپا و کریس پاتن پیشنهاد شد. ر.ک:

Agence- France, October 2, 2003.

19. Shelby, D. (2004, December 12) Middle East Forum for Future Produces Concrete

Initiatives. U. S. Embassy in Berlin. Available: www.uspolicy.be (2004, December 12).

20. Aljazeera Net. (2004, February). *U. S Plans Middle East Post*.

21. Cheney, D. (2004, February 6). *The Greater Middle East - The Bush Administration's Perspective*. Available: www.theglobalist.com.

22. U. S. Department of State. (2004, June 9). Partnership for Progress and a Common Future with the Region of the Broader Middle East and North Africa. *The White House Fact Sheet*.

23. Mustafa, H. (2004, July). A Better Middle East. *Al-Ahram Weekly*, p. 8.

مصطفی می نویسد: «شاید اصلی ترین سؤالی که ما باید در این مقطع از خود بهرسم این است که آیا روابط آمریکا - اعراب از این به بعد با تنش و رویارویی شناخته شود؟».

24. Reuters, (2004b, July 10).

25. Reuters, (2004, January 25).

26. Kemp, G. (2003/2004, Winter). Europe's Middle East Challenges. *The Washington Quarterly*, Vol. 27, No. 1, pp. 163-177.

شایان ذکر است که واکنش اولیه فرانسه به طرح خاورمیانه بزرگ عمدتاً منفی بود و شيراک رئيس جمهور قبل از امضای آن در نشست سران G-8 و البته تحت عنوان جديد مشارکت برای پیشرفت، از آن به عنوان پروژه ای «مداخله گرانه» یاد کرده است.

۲۷. برای چشم انداز بدیل آمریکایی که ذکر هر نوع تفاوت اساسی منفعت / اولویت بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا را از بین می برد. ر.ک:

Leverett, F. (2003, November). *Toward A Transatlantic Strategy for the Greater Middle East*. Paper Presented at the Conference, "The Marshall Legacy: The Role of the Transatlantic Community in Building Peace and Security".

28. Lovatt, M. (2003, June 30). U. S. Promotes Middle East Free Trade Initiative. *MEES Report*, Vol. 46, No. 1, p. 31.

29. U. S. Embassy in Berlin. (2004b, December 10). *Countries Commit to Economic Progress in Middle East/ North Africa*. Available: www.uspolicy.be.
30. Lovatt, M. (2004, June). P. S. Promotes Middle East Free Trade Initiative. *MEES Report*, Vol. 66, No. 1.
31. *Khaleej Times*, September 24, 2004.
32. Congressional Group Assesses Mideast Trade Prospects. (2004, November). Available: www.usinfo.state.gov/mena/Archive/2004/Nov/19-749336.html.
33. World Bank. (2004). *Trade, Investment and Development in the Middle East and North Africa: Engaging with the World*. New York: World Bank, p. 211.
۳۴. «اروپا و خلیج فارس»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، (۲۰۰۴)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
35. Khaloo Zadeh, S. (2003). An Analytical Assessment of Economic and Trade Cooperation Between the I. R. of Iran and EU in the Past Two Decades. In *Iran Review, Special on Iran-EU Relations* (pp. 149-173). Tehran: Tehran International Studies & Research Institute Publications.
36. Afrasiabi, K. (2004, November 18), The Paris Agreement and Its Critics, *Iran News*, p. 14.
37. Beck, E. & Andrews, L. (2003, February 8). Performing a Free Trade Jugling Act, Offstage. *The New York Times*, p. A14.
38. U. S. Embassy in Israel. (2004, June 24). *NATO Offers Security Partnership with Broader Middle East*. Available: www.usembassy-Israel.org.
39. NATO Update (2004, June 29).

«نانو گفتگوی مدبرانه را به مشارکتی بدیع ارتقا می‌دهد که با ابتکار همکاری استانبول آغاز می‌شود».

Available: www.NATO.int

40. NATO Review, (2004). Opening to the Mediterranean and Broader Middle East, *NATO Review*, No. 3, p. 55.

41. *Ibid.*

42. *IRNA*. (2004, June 28).

43. NATO Issue. (2004, September 23). NATO/OSCE Cooperation in Practice. *NATO Issue*.

-Helly, D. (2002, July). The Role of the EU in the Security of the South Caucasus: A Complicated Specificity? *Connections, The Quarterly Journal*, Vol. IIX, No. 3, pp. 32-49.

44. Leverett, *Op. Cit.*

45. Sid- Ahmed, M. (2004, March). On the Greater Middle East. *Al-Ahram Weekly*.

46. Middle East Information Center. (2004, May 12). *Positive Reactions in the Arab Media to the Greater Middle East Initiative*, p. 2-3.

۴۷. به عنوان مثال ر. ک به: «عرب‌ها و نومحافظه‌کاران آمریکایی»، همشهری دیپلماتیک، ۱۲ آوریل ۲۰۰۴، مقاله از سردبیر مجله نومحافظه‌کار استاندارد و یگلی با اشاره به حمله به عراق از آن به عنوان آغاز «خاورمیانه‌ای جدید» نقل قول می‌کند. برای دیدن نظرات مشابه که طرح خاورمیانه بزرگ را به عنوان طرحی ریشه‌گرفته از ذهنیت یهودی - صهیونیستی تلقی می‌کند ر. ک به: علی عسگر فنبیری، «اهمیت خاورمیانه و بازنگری در طرح خاورمیانه بزرگ»، *جغرافیای نظامی و امنیتی*، (بهار ۲۰۰۴)، شماره ۲، ص. ۳۴.

۴۸. ر. ک به:

Iran Daily. (2004a, November 30). *The Great Middle East: The Project of Obliterating the Anti Western Perspectives*, p. 12.

پروژه‌ای شکافنده، روزنامه شرق ۲۱ مارس ۲۰۰۴.

49. *Iran Daily*. (2004b, July 26). Turkey: Model for Greater Middle East? p. 12.

- Denny, D. A. President Bush Lauds Turkey's Democratic, Tolerant Muslim Society. U. S. Embassy in Israel. Available on the internet: www.usembassy-Israel.org.

50. *Zaman Daily*, (2004, June 29), p. 4.
51. The International Crisis Group. (2004). *The Broader Middle East and North Africa Initiative: Imperiled at Birth*. Washington, D. C.: Author.
۵۲. مصاحبه با وزیر خارجه آمریکا کالین پاول در کنفرانس رباط، نقل قول شده توسط رویتر، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۴.
53. Huntington. S. (1999, March/April). The Lonely Superpower. *Foreign Affairs*, Vol. 78, No. 1, p. 38.
- Holloway, S. (2000, July/August). U. S. Unilateralism at the UN: Why Great Powers Do Not Make Great Multilateralists. *Global Governance*, pp. 4-11.
۵۴. بنا به نظر نویسندگان ارتباط قابل تمایزی بین اسلام و اقدامات اقتصادی وجود ندارد. رک به:
- Noland, M. and Pack, H. (2004, Summer/Fall). Islam, Globalization and Economic Performance in the Middle East. *SAIS Review*, Vol. 24, No. 2, pp. 105-115.
۵۵. «دو پروژه برای آینده خاورمیانه»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۷ جولای ۲۰۰۴.
۵۶. رک به: عبدالقاسم قاسم‌زاده، «خاورمیانه بزرگ و شمال آفریقا»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۹ آگوست ۲۰۰۴. نویسنده ذکر می‌کند که دولت‌های مصر و عربستان سعودی هر دو واکنش‌های خصمانه اولیه خود را نسبت به طرح خاورمیانه بزرگ تعدیل نموده‌اند به‌ویژه پس از نشست سران G-۸ واکنش خود را با توجه به عناصر مثبت و منفی این پروژه اصلاح نموده‌اند.
57. Tabb, W. (2004). *Economic Governance in the Age of Globalization*. New York: Columbia University Press.
- داریوش اخوان زنجانی، جهانی‌شدن و سیاست خارجی، (۲۰۰۲)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
58. Iran Import and Export (2004, May). *Ag glance at Iran's Economy in 2002-2003*, p. 60.
۵۹. اقتصاد ایران (سپتامبر ۲۰۰۳)، ص. ۱۶.
۶۰. همان.

۶۱. اطلاعات در مورد مناطق آزاد تجاری در پایگاه اینترنتی www.iftiz.org در دسترس می‌باشد. مناطق آزاد تجاری عاری از مشکلات نبوده‌اند ولی با این وجود روزنه‌ای برای مجوز واردات فراهم می‌کنند که منبعی غنی برای فرار از اجاره و مالیات‌دهی هستند.

۶۲. نقل قول شده از «آسیای مرکزی: همکاری منطقه‌ای در نظم جدید استراتژیک (۲۰۰۳)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

۶۳. ر. ک. به: الهه کولایی، اکو و همکاری منطقه‌ای، (مرکز آکادمیک تحقیقات و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال ۲۰۰۰).

Afrasiabi, K. & Jallali Pour. (2001, Summer), Regionalization In A Competitive Context. *Mediterranean Quarterly*, Vol. 12, No. 4, pp. 62-79.

64. Afrasiabi, K. *ECO Promotes Trade Initiative*. Available: www.eurasianet.org.

۶۵. روزنامه ایران، ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۳. مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی